

# تفسیر سوره همزه (جلسه سوم)

متن مستخرج از فایل صوتی تدریس استاد تاج آبادی - ۱۴۰۰/۰۲/۲۴

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ (۱) الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ (۲) يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (۳) كَلَّا  
لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ (۴) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ (۵) نَارُ اللَّهِ الْمَوْقُودَةُ (۶) الَّتِي تَطَّلِعُ  
عَلَى الْأَفْنَدَةِ (۷) إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ (۸) فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ (۹)

خدمت همه عزیزان، دوستان و اساتید بزرگوار سلام و عرض ادب دارم و امیدوارم که خداوند متعال عیدی خیلی خوبی را به همه ما و شما عزیزان عنایت بکند و روح مرحوم استاد خرازی مقدم را غریق رحمت خودش بکند و با اولیا خودش انشالله محشور کند. عرض می کنم که دوستان قبل از شروع جلسه یک حمد و سوره ای و صلوات برای ارتقا درجات و مغفرت این استاد عزیز و بزرگوار قرائت بکنند.

در تفسیر سوره همزه آیاتی را مورد بحث و بررسی قرار دادیم. به این آیه رسیدیم که **وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ، نَارُ اللَّهِ الْمَوْقُودَةُ، الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْنَدَةِ، إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةُ، فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ.**

### آیه پنجم

و ما ادراک یعنی تو درک نمیکنی، هیچ شنونده ای نمی تواند درک بکند که حطمه چی هست. هر چند در آیات بعد یک اشاره ای و یک توصیفی از حُطَمَه می کند؛ اما توصیفی که بعد از حطمه می کند به این معنا نیست که این توصیفات باعث شود ما به یک درک روشنی از حطمه برسیم. این توصیفات همچنان مانع نمی شود از اینکه **و ما ادراک ما الحطمه** معنایش جاری باشد.

ما حطمه را درک نمی کنیم؛ هر چند که بدانیم این نَارِ خداست، آتش الهی است و شعله ور است. هر چند که بدانیم از قلب ها جاری می شود و شروع می شود و طلوع می کند تا آخر آیات. چون این توصیفات هم که خداوند متعال درباره بهشت و جهنم می کند این توصیفات ما را با مفاهیمی از بهشت و جهنم آشنا می کند؛ نه با حقیقت آن بهشت و جهنم.

خُب و ما ادراک می خواهد عظمت این عذاب را بیان بکند و در واقع وحشتناک بودن و دهشتناک بودن حُطَمَه را بیان بکند.

## آیه ششم

نارُ الله الموقده؛ این آیه تفسیر حطمه هست. می گوید اگر بخواهید اجمالا بدانید که حطمه چیست، بدانید آتش الهی است، نار اضافه شده به اسم الله، اسم جامع الله. این باز به نوعی می خواهد عظمت و شدت این حطمه و عذاب حطمه را بیان بکند.

شما چه می دانید که حطمه چیست؟ حطمه نار خداست، آتش خداست، عذاب اسم جامع الله هست. آتشی شعله ور است، موقده هست، زبانه می کشد. علت زبانه کشیدن و شعله ور بودن را در جلسات قبل و در تفسیر برخی از سور عرض کردیم. علت این است که جان خود کافر، جان خود مجرم می شود هیزم جهنم، می شود مبدا و منشا شعله ور شدن جهنم.

## آیه هفتم

بعد می فرماید که الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْافْتِدَةِ. اَطَّلِعُ از اطلاع و از طلوع است به معنای اشراف و ظاهر شدن. و مراد از اَفْتِدَه که جمع فُواد است به معنای روح است، نفس انسان و روح انسان است. آن وقت این آیه می خواهد بفرماید که این آتش حطمه، این آتش از جان انسانها و از روح انسان ها، درون انسان ها ظاهر می شود. مراد از فُواد و اَفْتِدَه در اینجا این قلب صنوبری، این که گوشتی که در سمت چپ سینه ما هست، نیست. مراد از فُواد یعنی روح، یعنی قلب، چون در سوره نجم آیه ۱۱ فرمود مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى؛ دروغ نگفت و نمی گوید قلب پیامبر بزرگوار اسلام نسبت به آنچه را که دید، نسبت به آن حقایقی را که دید، آن پیامبر بزرگوار اسلام با روح و جانسان در معراج حقایق را دیدند.

همچنان که در سوره نجم مراد از فُواد روح و جان پیامبر بزرگوار اسلام هست در این آیه هم مراد از اَفْتِدَه که جمع فُواد هست یعنی جان و روح. این آتش جهنم با آتش های دنیوی فرق می کند آتش های دنیوی از بیرون انسان را می سوزاند. آتش از بیرون به انسان می رسد؛ اما آتش حطمه از درون انسان می جوشد، از درون انسان ظاهر می شود و جسم و بدن او را می سوزاند؛ نه اینکه از بیرون وارد شود، بعد آحشاء و در واقع آن اعضای درونی انسان را بسوزاند.

یعنی یک آتش ویژه است، یک عذاب ویژه است. این عذاب را با عذاب های دنیوی مقایسه نکنید. من آیات جهنم و آتش جهنم را که بررسی کردم اجمالا دیدم فقط در همین سوره هست که این ویژگی را برای آتش جهنم بیان می کند که الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْافْتِدَةِ، شاید رازش در این باشد که می خواهد بفرماید که بین این آتش و عذاب و عمل و فعلی که انسان های عیب جو و طعنه زن و مسخره کننده انجام می دهند یک مشابهتی است، یک

تناسبی هست، همچنان که عیب جویان، مسخره کنندگان، با سخنانشان، با شکاک در آوردن و ادا و اطوار و هر روشی که دارند دل دیگران را می سوزانند، جان دیگران را می سوزانند ما هم آنها را در آتشی می اندازیم که از جانشان زبانه بکشد و جان آنها و روح آنها بسوزاند.

## آیه هشتم

در آیه بعد می فرماید که **أَنَّهُمْ عَلَيْهِمْ مُّوَصَّوَةٌ**؛ این آیه ناظر هست به یکی دیگر از ویژگی های آتشی که در این سوره بیان کرده و کلا ویژگی جهنم و آن این هست که ویژگی آتش جهنم و عذاب جهنم این هست که کاملاً مجرمان و کافران را احاطه می کند. همه وجودشان را، همه جسم و جانشان در درون آتش است. هیچ قسمتی از جان و جسم آنها نیست که آتش به او نرسد و خارج از آتش باشد.

در سوره بلد هم باز اشاره به این ویژگی کرد **هُم أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ عَلَيْهِمْ نَارُ الْمُؤَصَّوَةِ**؛ باز در آنجا فرموده است که اصحاب مشئمه، اصحاب شمال که همان کافران مُکَذَّب هستند آتشی بر آنها وارد می شود که آنها را احاطه می کند، همه ابعاد وجودی آنها را، جسم و جان آنها را در واقع فرا می گیرد.

این ویژگی باز در آیه ۲۹ سوره کهف با بیان دیگری ذکر شد که **وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَعِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا**.

می فرماید که ما ظالمین را در آتشی می اندازیم که این آتش، **سُرَادِق** است، **سُرَادِق** یعنی خیمه، این آتش مثل خیمه ای همه ظالمین را فرا می گیرد. مثل کسی که وارد خیمه ای می شود، در واقع خیمه او را احاطه می کند، می فرماید آتش جهنم هم همینطور است اصحاب خودش را که همان کافران مُکَذَّب باشند آنها را در واقع احاطه می کند، می پوشاند. در واقع این آیه می خواهد بگوید که آتش جهنم احاطه کامل دارد بر این عیب جویان و طعنه زندگان، از همه جوانب در آتش هستند و هیچ کدام از اینها از آتش بیرون نیستند، هیچ جزیی از اجزای اینها از آتش بیرون نیست.

برخی از مفسرین به درستی فرمودند که آیه می خواهد جاودانگی اینها را در آتش بیان بکند. می خواهد بفرماید که این آتش اینها را احاطه کرده یعنی اینها یقین پیدا می کنند که از این آتش خارج نمی شوند؛ یعنی یقین پیدا می کنند که در این حُطْمَه جاودان خواهند بود. یعنی در واقع این آیه می خواهد جاودانگی این افراد را در جهنم بیان بکند؛ به این معنا که این افراد هیچ راهی برای خروج از جهنم ندارند؛ یعنی هرگز مغفرت الهی یا دیگر اسباب نجات از جهنم مثل شفاعت و امثال اینها شامل این افرادی که این سوره دارد آنها را معرفی می کند نمی شود. به

نوعی این آیه دارد در واقع جاودانگی این افراد را در جهنم بیان می کند، احاطه شان می کند؛ یعنی اینها هرگز خارج نمی شوند و خودشان یقین پیدا می کنند.

هر چند برخی از مفسران گفته اند که اینها را کانه در یک اتاقکی، در یک محفظه ای قرار می دهند که در واقع آنها قفل و بست شدیدی شده و در واقع تفسیر آیه را بردند به سمت یک محفظه جسمی و یک جایی که مثل زندان باشد و قفل و زنجیر داشته باشد.

اما مراد این آیه اینها نیست؛ بلکه مراد آیه همینی است که عرض کردیم می خواهد بگوید که اینها جاودانه در آتش هستند و یقین پیدا می کنند که در آتش جهنم جاودانه خواهند بود.

## آیه نهم

و در ادامه می فرماید که **فی عمَدٍ مُمَدَّهٍ**؛ یعنی وضعیت دیگر اینها را بیان می کند که اینها **مُمَدَّه** یعنی کشیده شده، یعنی مرتفع. **عمَد** یعنی ستون، یعنی اینها را بر روی یک ستون های مرتفعی در وسط و ستون های مرتفعی اینها را میخکوب می کنند و می بندند و آتش از همه طرف پایین و بالا و دیگر اطراف آنها را احاطه می کند.

## نظارت سیاق سوره به کافران و منافقان

اینها نکاتی بود که در واقع این آیات بیانگر آن بود. حالا بخواهیم ما دو سه تا نکته کلی و اساسی را از این سوره در واقع اشاره بکنیم و تاکید بکنیم این است: **سیاق این سوره به نظر بنده، سیاق و مفاد کلی این سوره ناظر به کافران و منافقان است؛** یعنی کافران و منافقانی که دچار این ملکه نفسانی عیب جویی و طعنه زنی شدند را دارد بیان می کند، چرا؟ چون اگر مستحضر باشید در جلسه قبل باز تکیه بر همین آیات این سوره و دیگر آیات به این نتیجه رسیدیم کسانی دچار این ویژگی می شوند، یعنی عیب جویی ملکه نفسانی آنها می شود که دچار کفر و تکذیب و نفاق و استغنا از خداوند متعال شده باشد، دچار توهم استغنا شده باشند.

و عرض کردیم بر اساس آیات قرآن همواره کافران **مکذّب** و منافقانند که دچار توهم استغنا می شوند و مومن هیچ وقت نه خدا را تکذیب می کند، نه دچار توهم استغنا می شود. ممکن است لغزش پیدا بکند، گاهی عیب جویی بکند، عیب کسی را بر زبان جاری بکند؛ اما هیچ وقت این عیب جویی ملکه نفسانی او نمی شود. چنین مومنی لغزشی پیدا می کند و بعد توبه می کند و بعد پشیمان می شود.

مؤید دیگر این عرض بنده این است که از این آیات استفاده شد که این افراد در **حُطَمَه** جاودان خواهند بود، در جهنم جاودان خواهند بود. **حُب** ما بر اساس آیات قرآن می دانیم و همچنین روایات که هیچ مومن مسلمی در

جهنّم جاودان نخواهد بود. مومنان یا واردِ در جهنّم نمی شوند و پیش از ورود در جهنّم مورد شفاعت حضرات معصومین و انبیا قرار می گیرند یا مدت کمی یا مدتی که در جهنّم ماندند مورد شفاعت قرار می گیرند. پس جاودانه نمی شوند و آیات این سوره فرمودند آتش از درون این افراد می جوشد. از روح و جانشان یعنی روحشان مبدا و منشا و علت آتش است؛ یعنی کُفر و تکذیب که در جان آنها هست. در جان مومن ایمان هست، در جان مومن محبت به خداوند متعال و محبت به حضرات معصومین است.

جان و روحی که در آن ایمان به خدا و محبت حضرات معصومین باشد، آتش از او طلوع نمی کند، آتش از درون چنین جانی طلوع نمی کند. مومنان مجرم اگر در جهنّم قرار می گیرند آتش آنها جور دیگری است. آنها به طور عارضی از بیرون می سوزند؛ نه اینکه از درونشان آتش شعله ور باشد، از روح و جانشان شعله ور باشد.

همانطور که باز با تکیه بر برخی از آیات گفتیم مومن دچار لغزش عیب جویی ممکن است بشود؛ اما دچار این مَلکه نفسانی نخواهد شد. این نکاتی بود که اگر ما بخواهیم این سوره را با ساختاری که دارد و آیاتی که دارد در واقع این جمع بندی را بتوانیم داشته باشیم.